

سورة التوبة

تقدیم به استاد ارجمندم

"دکتر علی صفایی"

و نویسنده محبوب و توانا

"هوشنگ مرادی کرمانی"

و همه آنان که در اعتلای زبان و ادبیات فارسی می کوشند.

تقدیر و شکر

در مدرسه هر چند که خواندیم بسی علم در می‌کده

علمی است که آموختنی نیست

با سپاس از تلاش ها و زحمات فراوان استاد گرامی ام آقای دکتر علی صفایی که

با دلسوزی و بردباری فراوان، مراد مراحل تدوین این پایان نامه را همیاری و

یاری فرمودند و همچنین با قدردانی از عنایات استاد مشاورم آقای دکتر علیرضا  
نیکویی که با وسعت نظر و راهمایی های شایسته می خویش همیشه راهگشای مشکلاتم  
بودند و با ارج نهادن بر زحمات اساتید دیگرم آقای دکتر محمد علی خزانة دارلو،  
آقای دکتر محمد کاظم یوسف پور، آقای دکتر محرم رضایتی، آقای دکتر عباس  
حائفی، خانم دکتر کیتی تجربه کار، خانم دکتر ثریا مصلحی، آقای دکتر فیروز  
فاضلی، آقای دکتر علی تسلیمی، آقای دکتر احمد رضی و زنده یاد دکتر غلامرضا  
رحمدل که در این هفت سال در محضرشان ادب و معرفت آموختم. از  
خداوند متعال برای این عزیزان سعادت و سربلندی را خواهانم.

## فهرست مطالب

|    |  |
|----|--|
| 1  | ..... مقدمه  |
| 2  | ..... بیان مسئله و ضرورت پژوهش   |
| 2  | ..... پیشینه پژوهش   |
| 2  | ..... قلمرو پژوهش  |
| 3  | ..... روش پژوهش  |
| 3  | ..... سؤال های اساسی پژوهش   |
| 3  | ..... فرضیه های پژوهش  |
| 3  | ..... ساختار پایان نامه  |
| 5  | ..... فصل اول: زندگینامه هوشنگ مرادی کرمانی                              |
| 6  | ..... سال شمار زندگی هوشنگ مرادی کرمانی                                  |
| 7  | 1-1- ش ..... رح ..... سال  |
| 8  | ..... 2-1- آثار  |
| 9  | ..... 3-1- افتخارات  |
| 10 | ..... فصل دوم: شوخ طبعی و گونه های ادبی آن                               |
| 11 | 2- ش ..... وخ طبعی   |
| 12 | ..... 1-2- نظریه ..... ه ..... ای بنی ..... ادین خن ..... ده             |
| 12 | ..... 1-1-2- نظریه ..... ه تف ..... وق / برت ..... ری (Superiority)      |
| 12 | ..... 2-1-2- نظریه ..... ناسازگاری / ناهماهنگی / عدم تجانس (incongruity) |
| 13 | ..... 3-1-2- نظریه ..... رهایی / تسکین / آرامش (Relit / Release)         |
| 13 | ..... 2-2- گونه های ادبی شوخ طبعی  |
| 13 | ..... 1-2-2- هج ..... و (Lampoon)  |
| 14 | ..... 1-1-2-2- هج ..... ای سیاس  |

- 14 2-1-2-2 هج ای شخص سی
- 14 3-1-2-2 هج ای دین سی
- 14 4-1-2-2 هج ای اجتماعی
- 16 2-2-2 ه زل (Facetiousness)
- 17 3-2-2 لطیفه (Epigram) ه
- 18 4-2-2 کم (Comedy) دی
- 20 5-2-2 نظیه / بورلسک (Burlesque) ک
- 20 1-5-2-2 نظیه (بورلسک) ک برتر
- 20 1-1-5-2-2 حماسه مضحک (Mock epic)
- 20 2-1-5-2-2 نقیضه (Parody) ه
- 21 2-5-2-2 نظیه (بورلسک) ک نازل
- 21 1-2-5-2-2 تراوس (Travesty) تی
- 21 6-2-2 گروتسک (Grotesque) ک
- 24 7-2-2 وارونه سازی / آیرون سی (Irony)
- 25 1-7-2-2 وارونه سازی بلاغی (Rhetoric Irony) سی
- 25 2-7-2-2 وارونه سازی تقدیری (Fate Irony)
- 26 3-7-2-2 وارونه سازی کلامی (Verbal Irony) سی



- 47 .....  
 47 (incorrect Word Pronouncing) تلفظ غلط کلمه
- 48 .....  
 48 (Play with Synonymous) بازی با کلمات مترادف
- 48 (Double meaning) مولفه دو معنی ایی
- 48 (Ambiguity) ابهام
- 49 .....  
 49 (Structural Ambiguity) ابهام ساختاری
- 49 .....  
 49 (Thought Ambiguity) ابهام اندیشگانی
- 49 .....  
 49 دل‌عکس
- 50 .....  
 50 ل‌الع‌تجاه
- 50 .....  
 50 اسلوب الحکیم
- 51 (Equivoque) ایهم
- 52 (Kenning) کنایه
- 52 (Sarcasm) طعن
- 53 (Pun) جناس
- 54 .....  
 54 بازتحلیل
- 55 .....  
 55 سازکارهای مبتنی بر محتوای زیبان
- 55 .....  
 55 سازوکارهای موقعیت محور
- 55 .....  
 55 غافلگیری (Surprise)
- 58 .....  
 58 تکرار (Repetition)
- 60 .....  
 60 تداخل رخدادها (Coincidence)



|    |  |
|----|--|
| 63 | .....(The translation of roles) جابجایی نقش ها         |
| 65 | ..... سازوکارهای شخصیت محور                            |
| 66 | ..... (Diminution) کوچک سازی                           |
| 66 | .....(Himself by ridiculous) مضحک یافتن خویشتن         |
| 68 | .....(Likened to animals) تشبیه به حیوانات             |
| 69 | ..... (Inflation) بزرگ سازی                            |
| 72 | .....(inflexibility) انعطاف ناپذیری                    |
| 77 | ..... حماقت یا لودگی (Doolishness)                     |
| 79 | ..... هتاکي و دشنام گویی (Invective)                   |
| 81 | ..... سازوکارهای تخیل محور                             |
| 81 | ..... (Personification; Prosopopeia) آدم گونگی / تشخیص |
| 83 | .....(Dreams and Sleep) رویا و خواب                    |
| 85 | .....(utopian) آرمان شهر                               |
| 88 | ..... نتیجه گیری                                       |
| 88 | ..... پیشنهاد  |
| 90 | ..... منابع  |

#### چکیده

(عنوان): بررسی سازوکارهای آفرینش طنز در آثار هوشنگ مرادی کرمانی  
(نام دانشجو): حسین ادهمی فشتامی

هوشنگ مرادی کرمانی متولد 1323 یکی از داستان نویسان و طنز پردازان موفق در حوزه ادبیات کودکان و نوجوانان است. داستانهای او بیشتر در زمینه رئالیسم اجتماعی است که به زندگی کودکان و نوجوانانی می پردازد که در چالش میان جهان آرمانی کودکی و جهان بزرگسالی، به تجربه و درکی از جهان واقعی می رسند. در روایت عبور این کودکان از این چالش که آمیخته با لحظات طنز و تراژیک است، مرادی با طنز تلخی، فقر و جهالت و بی عدالتی اجتماعی را که همگی نشانگر ساختار غلط اجتماعی و نظام بیمار جامعه است، به نقد می کشد.

مرادی برای خلق طنز در داستانهایش از دو دسته سازوکار بهره می برد. دسته اول، سازوکارهای مبتنی بر کاربرد زبان است که بر ویژگیهای دو یا چند معنایی بودن زبان تکیه دارد. دسته دیگر بر محتوای زبان دلالت دارد و بیشتر بر موقعیتها و عمل داستانی استوار است.

پژوهش حاضر می کوشد با روش توصیفی - تحلیلی و گردآوری اطلاعات به شکل کتابخانه ای و با نظر به نظریات نوین جهان طنز، در چهار فصل به بررسی، تبیین و تحلیل این سازوکارها در داستانهای مرادی بپردازد. این چهار فصل به ترتیب عبارتند از:

- 1- زندگینامه هوشنگ مرادی کرمانی.
- 2- شوخ طبعی و گونه های ادبی آن.
- 3- دیدگاه هوشنگ مرادی کرمانی درباره طنز و طنز پردازی.
- 4- سازوکارهای آفرینش طنز در داستانهای هوشنگ مرادی کرمانی.

#### کلید واژه

هوشنگ مرادی کرمانی، ادبیات کودکان و نوجوانان، طنز داستانی، سازوکارهای آفرینش طنز

#### Abstract

Title: Investigation mechanism of satire creation in Houshang Moradi Kermani's works

author: Hosein Adhami Fashtami

Houshang Moradi Kermani was born in 1323, one of the successful novelists and satirists in the field of children's literature. He has more stories in the field of social realism that explains the lives of children and adolescents that experience and

understanding of the real world in conflict between the idealized world of childhood and adulthood. In narrative crossing the children of this challenge, that interspersed with moments of satire and tragic, Moradi criticizes poverty, ignorance and social injustice that indicates the wrong structure and the patient society with bitter satire.

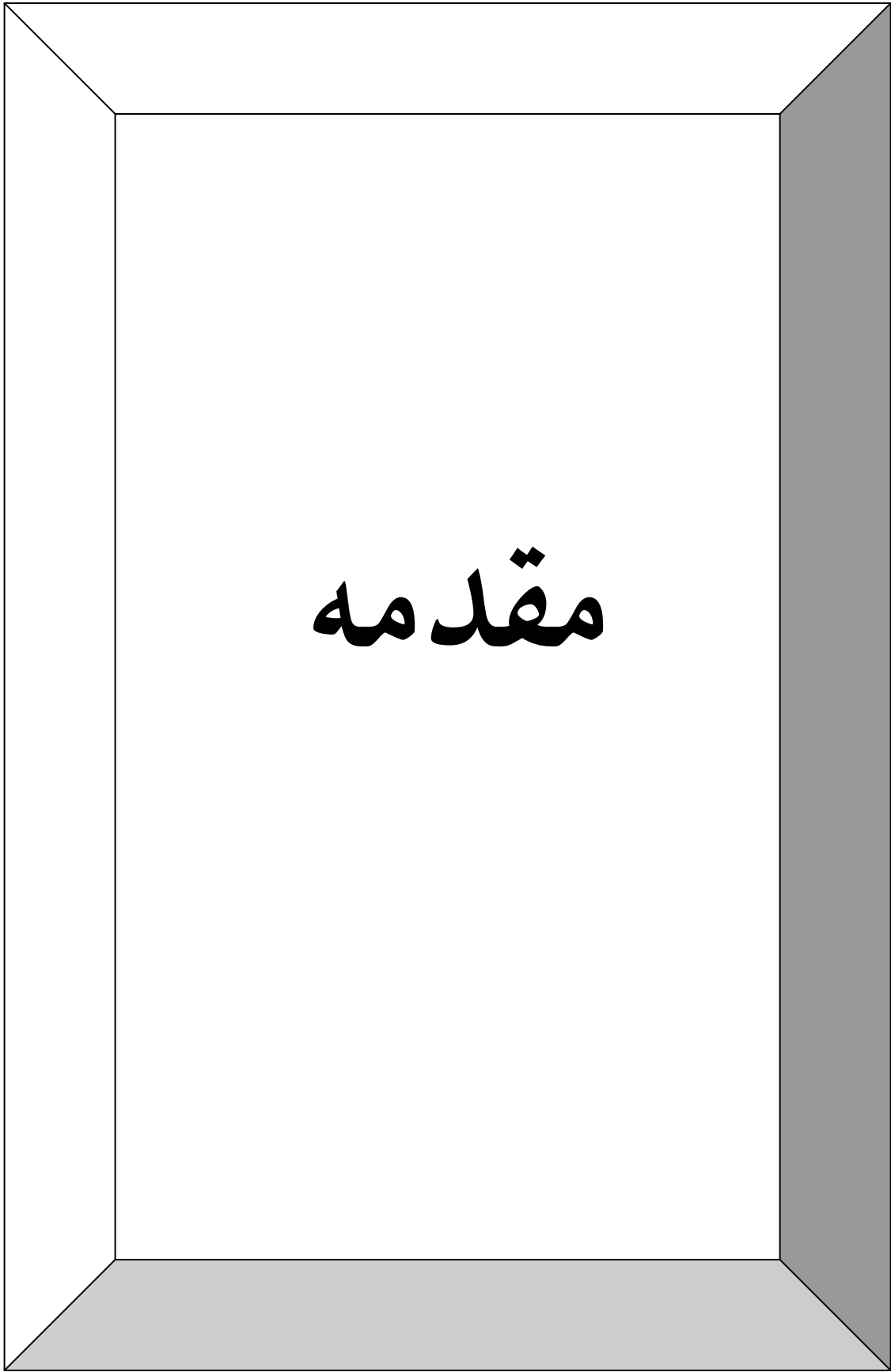
Moradi uses two mechanisms to create satire in his stories. First: Is a language-based mechanism that relies on double or more meaning. Other implies in Language content and based on fictional situations and act.

This research tries to investigate to explain and analyze with descriptive – analytical method and data collection forms library, and with new satire theories in four sections. These sections are:

1. Houshang Moradi Kermani's biography.
2. Satire and its literary types.
3. Houshang Moradi Kermani view about the comic and satirist.
4. The mechanisms satire creation in Houshang Moradi Kermani's stories.

**Key words:**

Houshang Moradi Kermani, Children's literature, Satire fiction, Mechanisms of satire creation



# مقدمه

## بیان مسئله و ضرورت پژوهش

طنز (Satire) یکی از مقولات پرچالشی است که ذهن بسیاری از متفکران و محققین را به خود مشغول کرده است. با ورود صاحب نظران رشته های گوناگون به این عرصه، نظریه های گوناگونی ارایه شده که هر کدام با زاویه دیدی خاص به طنز نگریسته اند.

از آنجا که یک طنزپرداز به بررسی واقعیات جامعه خویش می پردازد، نگاه دوره ای به آثار طنز جامعه می تواند نموداری از تحولات و اوضاع اجتماعی آن جامعه خاص باشد. از این رو آثار طنز می تواند منبع اطلاعات با ارزشی برای پژوهشگران رشته های مختلفی چون جامعه شناسی، روان شناسی، علوم سیاسی، فلسفه و ... باشد. طنز در ادبیات با ورود به قالب داستان، جهانی مجازی خلق می کند که انعکاسی از واقعیات جهان واقعی است. البته طنزپرداز در خلق این جهان، از شگردها و سازوکارهایی سود می برد که میزان مهارت و خلاقیت او را نشان می دهد. گرچه در داستان، سازوکارهای مبتنی بر کاربرد زبان و بازیهای زبانی به چشم می خورد اما بیشترین امکان در جهت خلق طنز، در استفاده از سازوکارهایی است که متکی بر محتوای زبان چون موقعیت و عمل داستانی است. البته برخی در بررسی و نقد طنز در داستان فقط از شیوه های کهنه ای استفاده می کنند که تنها متکی بر ساز و کارهای زبانی متأثر از تحلیل های مبتنی بر معانی و بیان است که البته بیشتر در شعر کاربرد دارد تا در داستانهای امروزی.

به نظر می رسد که این دسته از پژوهشگران و منتقدین این نکته را فراموش کرده اند که هنر داستان نویسی معاصر ما عمر چندانی نداشته و از زمان مشروطیت با تأثیر از ادبیات غرب و سازوکارهای هنری آن شکل گرفته است. از این رو نمی توان با نگاهی سنتی به تحلیل طنز داستانی معاصر پرداخت. البته از سویی دیگر صاحب نظران و منتقدانی چون فروید، هابز، برگسون، کریچلی، موکه و ... هر کدام از منظر خاصی در تبیین گوشه ای از جهان پر رمز و راز خنده و طنز، نظریاتی را ارائه نموده اند که می تواند تا حدودی در بررسی کیفیت و ساختار آفرینش طنز در قالب داستان راهگشا باشد.

در این پژوهش با چنین دیدگاه تازه ای و با استفاده از نظریات نوین در عرصه طنز، به سراغ یکی از طنزپردازان موفق کشورمان رفته ایم که در حوزه ادبیات کودکان و نوجوانان داخل و خارج از کشور دارای آوازه ای بلند است. هوشنگ مرادی کرمانی (متولد 1323) که بیشتر داستانهایش در زمینه رئالیسم اجتماعی است، با نگاهی طنزآمیز به زندگی کودکان و نوجوانانی می پردازد که در شکاف میان جهان آرمانی کودک و جهان واقعی بزرگسالی، از حوادث فراوانی عبور کرده، به تجربه ای از زندگی و بینشی از جهان نائل می آیند. از آنجا که تاکنون تحقیقی جامع و دقیق در مورد طنز در آثار مرادی صورت نگرفته است، پژوهش حاضر سعی دارد که با بررسی همه آثار مرادی، از منظری نو به تبیین و تحلیل سازوکارها و ساختار طنز در داستانهای وی پردازد.

## پیشینه پژوهش

در مورد بررسی طنز و سازوکارهای آن در آثار هوشنگ مرادی کرمانی تاکنون تحقیق جامعی صورت نگرفته است و تنها خانم پروین سلاجقه در کتاب «صدای خط خوردن مشق» در بخش ویژگیهای زبانی داستانهای مرادی، به برخی از این سازوکارها پرداخته که بیشتر شامل سازوکارهای زبانی است.

## قلمرو پژوهش

از میان 14 مجموعه کتاب داستان منتشر شده از هوشنگ مرادی کرمانی به جز کتاب «نخل»، 13 داستان دیگر (قصه های مجید، شما که غریبه نیستید، مهمان مامان، نه تر و نه خشک، پلو خوروش، مثل ماه شب چهارده، بچه های قالیباف خانه، مشت بر پوست، مربای شیرین، خمره، تور و داستانهای دیگر، لبخند انار، ناز بالش) دارای زمینه های طنز است که در این پژوهش مورد بررسی واقع شده است.

## روش پژوهش

روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی است و گردآوری اطلاعات به شکل کتابخانه ای صورت گرفته است.

### سؤال های اساسی پژوهش

از سؤالات مهمی که در پژوهش حاضر از ابتدا ذهن نگارنده را به خود مشغول کرده و انگیزه ای برای تألیف و تدوین این پژوهش شده است، سؤالاتی از این دست است که:

- 1- دیدگاه هوشنگ مرادی درباره طنز و طنزپردازی چیست؟
- 2- زبان طنز در آثار مرادی دارای چه ویژگی هایی است؟
- 3- مرادی در آفرینش طنز از چه سازوکارهایی استفاده می کند؟
- 4- کدام سازوکارها در آثار مرادی دارای بیشترین بسامد است؟
- 5- ساختار طنز در آثار مرادی چگونه ساختاری است؟
- 6- مرادی از کدام نویسندگان داخلی و خارجی تأثیر گرفته است؟
- 7- خط سیر تحول طنز در آثار مرادی چگونه است؟

### فرضیه های پژوهش

با توجه به طرح چنین سؤالاتی و مطالعات اساسی و هدفمند در این زمینه، فرضیه هایی در ذهن نگارنده شکل گرفت که عبارت بودند از:

- 1- به نظر می رسد هوشنگ مرادی کرمانی در آثار طنز خود دارای دیدگاهی دلسوزانه و بدون برتری جویی نسبت به انسان و جامعه است.
- 2- به نظر می رسد زبان طنزی که او در داستانهایش به کار می برد، دارای ویژگی های طنز هوراسی یعنی ملایمت، اغماض گری و دوری جستن از رکاکت است.
- 3- به نظر می رسد او برای آفرینش طنز در داستانهایش از دو دسته سازوکار استفاده می کند. دسته ای مبتنی بر کاربرد زبان و دسته دیگر مبتنی بر محتوای زبان است.
- 4- به نظر می رسد بسامد سازوکارهای مبتنی بر زبان اندک بوده و سازوکارهای مبتنی بر محتوای زبان دارای بیشترین بسامد است.
- 5- به نظر می رسد طنز در آثار مرادی دارای ساختار پویایی است که در آن به طور متوالی سازوکاری به سازوکار دیگری می پیوندد و باعث تازه شدن موقعیت های طنز می شود.
- 6- به نظر می رسد شباهتهایی میان سبک نویسندگی مرادی با نویسندگانی چون جمالزاده و حجازی وجود دارد و از میان نویسندگان خارجی از همه بیشتر تحت تأثیر چخوف است.
- 7- به نظر می رسد طنز در آثار مرادی از طنزی آشکار با سازوکارهای معین در آثار اولیه به سوی طنزی پنهان با سازوکارهای پیچیده در آثار بعدی به پیش می رود.

### ساختار پایان نامه

پژوهش حاضر، پس از پرداختن به تئوریهها و نظریات طنز و شوخ طبعی که فشرده تقریباً جامعی از مباحث کلیدی پژوهش است، چهار فصل عمده را در بر می گیرد که عبارتند از:

## 1 فصل اول: زندگینامه هوشنگ مرادی کرمانی

این فصل دارای سه بخش است. در بخش اول به شرح حال هوشنگ مرادی از زبان خودش می پردازد؛ در بخش دوم آثار مرادی معرفی می شود؛ در بخش سوم فهرستی از جوایز و افتخارات او ذکر می شود.

## **2) فصل دوم: شوخ طبعی و گونه های ادبی آن**

این فصل به بیان تعاریف و نظریه های گوناگون درباره شوخ طبعی و خنده می پردازد و شامل دو بخش عمده است: در بخش اول به نظریه های بنیادین خنده (تفوق، ناسازگاری، رهایی) می پردازد؛ در بخش دوم گونه های ادبی شوخ طبعی (هجو، هزل، لطیفه، کمدی، نظیره، گروتسک، آیرونی، کاریکلماتور، کاریکاتور و طنز) را معرفی می کند و ضمن بیان تعاریف و نظریه های گوناگون، شواهدی از داستانهای مرادی ذکر می شود که بیانگر وسعت و تنوع دایره ی شوخ طبعی و طنز در آثار مرادی است.

## **3) فصل سوم: دیدگاه هوشنگ مرادی کرمانی درباره طنز و طنزپردازی**

این فصل به تبیین دیدگاه مرادی درباره طنز و طنزپردازی می پردازد که در آن نگاه طنزپردازانه او به انسان و جامعه، تعاریف او از طنز و ساختار آن و تأثیرپذیری او از نویسندگان طنزپرداز دیگر مورد بررسی قرار می گیرد.

## **4) فصل چهارم: ساز و کارهای آفرینش طنز در داستانهای هوشنگ مرادی کرمانی**

این فصل که فصل پایانی این پژوهش است، مهم ترین فصل بر مبنای عنوان پایان نامه است. در این فصل با تقسیم سازوکارها آفرینش طنز در آثار مرادی به دو دسته شامل دو بخش است: در بخش اول به سازوکارهای مبتنی بر کاربرد زبان (مولفه ی دو معنایی و بازیهای کلامی) می پردازد؛ در بخش دوم، به سازوکارهای مبتنی بر محتوای زبان می پردازد که به سه گروه عمده سازوکارهای موقعیت محور، سازوکارهای شخصیت محور و سازوکارهای تحلیل محور تقسیم می شود. این فصل علاوه بر این به رابطه این سازوکارها و ساختار حاصل از آن نیز می پردازد که مبین ویژگیهای سبک طنزپردازی هوشنگ مرادی کرمانی است.

## فصل اول

زندگینامه هوشنگ مرادی کرمانی



سال شمار زندگی هوشنگ مرادی کرمانی

| وقایع مهم   | سال  |
|---|------|
| تولد در سیرج، فوت مادر در 6 ماهگی   | 1323 |
| سفر به کرمان و اقامت برای ادامه تحصیل   | 1336 |
| آغاز فعالیت در رادیو کرمان  | 1340 |
| سفر به تهران و اقامت  | 1343 |
| آغاز فعالیت مطبوعاتی با چاپ داستان  | 1347 |
| ورود به مدرسه عالی ترجمه در رشته زبان انگلیسی، انتشار اولین کتاب «معصومه»   | 1349 |
| استخدام در وزارت بهداشتی (وزارت بهداشت و درمان)، اخذ لیسانس، ازدواج، تحریر قصه های مجید برای رادیو                | 1353 |
| انتشار قصه های مجید   | 1358 |
| کتاب برگزیده شورای کتاب کودک کشور و دیپلم افتخار IBBY و رئیس هیات داوران جایزه جهانی هانس کریستین آندرسن          | 1359 |
| کتاب برگزیده شورای کتاب کودک کشور   | 1360 |
| کتاب برگزیده شورای کتاب کودک کشور   | 1362 |
| برنده دیپلم افتخار IBBY (دفتر بین المللی کتاب برای نسل جوان)  | 1363 |
| فوت پدر، کتاب برگزیده شورای کتاب کودک کشور  | 1364 |
| کتاب برگزیده سروش نوجوان، کتاب برگزیده کیهان بچه  | 1367 |
| کتاب برگزیده کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان   | 1368 |
| کتاب سال وزارت فرهنگ و هنر اتریش، معرفی ویژه کتاب منتخب آلمان   | 1373 |
| کتاب برگزیده سال از سوی کتابخانه بین المللی مونیخ آلمان   | 1378 |
| کتاب منتخب کریاما پاسیفیک ریم (دانشگاه سانفرانسیسکو)  | 1379 |
| بازنشستگی در وزارت بهداشت و درمان بعد از 27 سال خدمت  | 1380 |
| کتاب برگزیده شورای کتاب، کتاب برگزیده مهرگان ادب، برگزیده شدن به عنوان چهره ماندگار ادبیات کودکان و نوجوانان کشور | 1384 |
| انتشار آخرین کتاب «ناز بالش»  | 1388 |

## 1-1- شرح حال

هوشنگ مرادی کرمانی در سال 1323 در روستایی به نام سیرچ (SIRCH) از توابع کرمان در دل طبیعت کویری چشم به جهان گشود. او از همان بدو تولد در حالی که هنوز 6 ماهی بیشتر نداشت، با اولین حادثه تلخ دوران زندگی یعنی مرگ مادر مواجه شد. او که جز شنیده‌هایی از خاطرات مادر چیزی را از او به خاطر نمی‌آورد، درباره آخرین خاطره مادرش می‌گوید: «یکی از پیرزنان روستای سیرچ تعریف می‌کرد که: آخرین بار که پیش مادرت رفتم، حالش خیلی بد بود. بنابراین، نمی‌گذاشتند تو از سینه او شیر بخوری، چون می‌گفتند مسلول است. مادرم سرفه می‌کرده و حالش خیلی بد بوده است. وقتی مادرم می‌خواست به من شیر بدهد، گفته‌اند که الان شیر نده. وقتی حالت خوب شد، این کار را می‌کنی. آن زن می‌گفت که مادرت مرا صدا کرد، تو را داد به دست من و از من خواست که به تو شیر بدهم. بعد دست کرد دامن مرا گرفت، در دستش فشرد و گفت: من دیگر بچه‌ام را نخواهم دید. بعد، آن زن مرا می‌برد. من، مادرم را هیچ وقت ندیدم. هیچ وقت هم او را به یاد نمی‌آورم و هیچ تصویری از او در ذهنم نیست.» (فیضی، 1388: 63)

البته در این میان خلأ وجود پدر نیز علاوه بر فقدان مادر، بر زندگی این کودک تازه متولد شده، سایه افکنده بود. پدر او پس از ازدواج به استخدام ژاندرمری در آمده بود و در زاهدان خدمت می‌کرد، بر اثر شدت یافتن بیماری روانی اش از ژاندرمری اخراج شد و با حالی بیمارگونه و بحرانی به خانه برگشت تا پس از گذشتن 6 سال از تولد این کودک برای اولین بار او را ببیند. ملاقاتی که خاطره‌اش اینچنین در یاد وی مانده است: «این اتفاق در یک شب روی داد، شبی بود که خوابیده بودم. خواب بودم. سر و صدایی شنیدم. بیدار شدم. چشم به صورت مردی افتاد با ریش‌هایی بلند و موهایی ژولیده و خیلی عصبانی. او خودش را روی من انداخت و بنا کرد به بوسیدن من. بوی بد بدنش را احساس کردم. انگار مدتی بود حمام نرفته بود. افتاده بود روی من و گریه می‌کرد. او را می‌کشیدند تا من اذیت نشوم. من پدرم را در این صحنه دیدم.» (همان: 86)

البته بازگشت چنین پدری به خانه نه تنها درد بی‌مادری این کودک را تسکین نداد، بلکه بر سختی‌ها و تلخی‌های دوران کودکیش افزود و باعث انزوای بیشتر او از دیگران گشت: «او پدرم بود با اینکه حالت مجنونانه‌ای داشت مرا خیلی دوست داشت. ولی شاید نباید این حرف را بزنم که او مایه عذابم بود. هر وقت او را می‌دیدم، حرف‌هایی در ذهنم زده می‌شد که همه هر روز در حق او می‌گفتند من از این حرف‌ها گریزان بودم؛ فرار می‌کردم و نمی‌خواستم با آن حرف‌ها روبرو بشوم.» (همان، 87)

اما با وجود همه این ناملایمات و تلخیها، از آغاز تولد او خود را در دامن پدر بزرگ و مادر بزرگی مهربان و دلسوز یافت. کسانی که کوشیدند تا این خلأهای عاطفی او را پرکنند و با پرورش او در دامن پر عطف و خویش‌نقش مهمی را در زندگی و سرنوشت این کودک ایفا نمایند. «من چشم باز کردم خودم را در خانه‌ای یافتم که یک پیرزن و یک پیرمرد در آن بود. من با آنها بزرگ شدم. خواهر و برادری نداشتم تا با آنها هم سخن بشوم. هم بازی نداشتم. در بازیهای دسته جمعی هم شرکت نمی‌کردم. اگر هم شرکت می‌کردم، یا خودم کنار می‌کشیدم، یا بیرونم می‌کردند! از همه مهمتر اینکه من یار غار فقر و درد و پیری و بیماری و نداری و مرگ بودم.» (همان: 127)

گرچه پدر بزرگ او کدخدای روستا بود اما فقر در چنین روستای دور افتاده‌ای چنان عمومیت داشت که هیچ استثنایی را قبول نمی‌کرد و خانواده آنان نیز با تجربه فقر و گرسنگی دست به گریبان بودند. مادر بزرگ او اگرچه زنی بسیار مذهبی بود و به عنوان پزشک سنتی روستا مورد احترام همه قرار داشت، اما بیشترین تأثیر را پدر بزرگ بر روی شخصیت آن کودک تنها و گوشه گیر گذاشت... رابطه عاطفی فوق‌العاده میان او و پدر بزرگش برقرار بود و ویژگیهای جذاب شخصیتی پدر بزرگ ضمن آنکه تکیه گاه و مأمن دلپذیری برای هوشو (هوشنگ) بود، باعث تقویت استعدادهای وی گشت و سمت و سوی آینده او را نشان داد. او درباره ویژگیهای پدر بزرگ می‌گوید:

«او پیرمری بیسواد بود، ولی از تخیل بسیار قوی برخوردار بود. در بین روستایی‌ها هم احترام داشت و رویش حساب می‌کردند. پدر بزرگم خوب شعر می‌خواند. دوبیتی‌های محلی را در حافظه داشت و بسیار خوش سخن و خوش صحبت بود. ویژگی او این بود که قصه می‌گفت و مرتب مرا پر می‌کرد.

چیزی که در پدر بزرگم خیلی عجیب بود. بعضی شبها که هواپیما از آسمان روستای ما عبور می‌کرد. که ما به آن می‌گفتیم بالون - از هواپیما می‌پرسیدم و او با تخیل خودش، آن را برایم وصف می‌کرد. ما شبها به پشت بام می‌رفتم و در کنار همدیگر می‌خوابیدیم و او، هر شب تا نصف شب برای من قصه می‌گفت.» (همان: 64-65)

البته این قدرت تخیل پدر بزرگم در داستان پردازی میراثی شد برای هوشنگ جوان تا بعدها او را به یکی از نویسندگان موفق در زمینه ادبیات کودک و نوجوان مبدل سازد. هوشنگ مرادی پس از پایان تحصیلات ابتدایی، در 13 سالگی پا از روستای کوچک خود فراتر نهاد و برای ادامه تحصیل عازم کرمان شد. این شهر برای او به نسبت روستای زادگاهش حکم جهان بزرگتری را داشت که روح جون او را با تجربه‌های گوناگون آشنا ساخت. او در این شهر توانست پایه‌های فرهنگی خود را تقویت سازد و حتی توانست به فعالیت در رادیو کرمان بپردازد. خود او درباره این تحول می‌نویسد:

«کرمان شکفته شدم. با انسانهای زیادی آشنا شدم. تئاتر و سینما را شناختم. با ابزار سینما رابطه برقرار کردم کتابهای زیادی خواندم که پایه را در هنر و ادبیات محکم کرد.» (همان: 173)

مرادی جوان در سال 1343 پس از 6 سال زندگی در کرمان دومین گام مهم زندگی خود را برداشت و با مهاجرت به تهران مرحله جدیدی از زندگی خود را آغاز کرد. «تهران دریای بزرگی است تهران اقیانوسی است به پهنای آرزوهای من. مثل پرکاهی افتادم تو اقیانوس. میان توفان و موج‌ها.» (مرادی کرمانی، 1388 الف: 351)

مرادی جوان در تهران دوباره با چهره خشن فقر و گرسنگی همراه با غم غربت روبرو شد و برای امرار معاش مجبور به تجربه مشاغل گوناگونی گشت اما با وجود این او توانست در این شهر دوره هنرستان هنرهای دراماتیک را بگذراند و در ضمن آن مدرک لیسانس زبان انگلیسی را اخذ نماید. او در طی همه این سالها علیرغم همه مشکلات و سختیهای فراوان همچنان به کار مورد علاقه خود یعنی نویسندگی اهتمام ورزید. و داستانهایی به صورت پراکنده در محلات و روزنامه‌ها به چاپ رساند. او در تهران با شخصیت‌های بزرگ فرهنگی و ادبی کشور آشنا شد که تا حد بسیاری توانست او را در رسیدن به اهدافش ترغیب نماید. او در سال 1349 اولین کتاب خود را با نام «معصومه» منتشر کرد که مجموعه‌ای از 12 داستان بود. این کتاب که با تأثر از شرایط اجتماعی و ابتذال رایج آن روزها نوشته شده بود، موفقیتی را برای مرادی به ارمغان نیاورد. دومین اثر او هم با نام «من غزال ترسیده‌ای هستم» به دلیل عدم پختگی زبان و همچنین برخی از ضعفهای محتوایی و ساختاری مورد توجه قرار نگرفت.

مرادی کرمانی در سال 1353 در تهران ازدواج نمود. او در آن سالها همچون ایام اقامتش در کرمان برای رادیو مطلب می‌نوشت. او در همان سال 1353 شروع به تحریر «قصه‌های مجید» نمود که به سفارش رادیو و برای اجرا در آن نوشته می‌شد. این قصه‌ها به مرور زمان چنان در میان مخاطبین رادیو محبوبیت پیدا کرد که بعد از انقلاب هم همچنان ادامه یافت. او در سال 1358 این قصه‌ها را در قالب کتابی به چاپ رساند که باعث شهرت مرادی گشت. قصه‌های مجید در واقع نقطه عطفی در دوران نویسندگی مرادی بود که حرکت او را به سوی موفقیت‌های بعدی تسهیل نمود. او که پس از فارغ التحصیلی به استخدام وزارت بهداشت درآمده بود (او به مدت 27 سال یعنی تا زمان بازنشستگی در این وزارت خانه اشتغال داشت)، همچنان به نویسندگی ادامه داد و توانست آثار خوب و قابل توجهی در زمینه ادبیات کودک و نوجوانان بنویسد که نه تنها در ایران بلکه در بسیاری از کشورهای دیگر مورد توجه و استقبال قرار گیرد.

## 1-2- آثار

از هوشنگ مرادی کرمانی تاکنون کتابهای قصه‌های مجید، بچه‌های قالیباف خانه، نخل، خمره، مشت بر پوست، تنور و داستان‌های دیگر، لبخند انار، مهمان مامان، کبوتر توی کوزه (مصاحبه - نمایشنامه)، مربای شیرین، مثل شب

چهارده، نه تر و نه خشک، شما که غریبه نیستید، چلوخوش و ناز بالش منتشر شده است که برخی از آنها به زبانهای انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، اسپانیایی، هلندی، عربی، ارمنی، چینی، کره‌ای، یونانی و ترکی استانبولی ترجمه شده است. همچنین بیست و هشت فیلم تلویزیونی و سینمایی براساس داستانهای او به تصویر درآمده که در جشنواره‌های داخلی و خارجی شرکت نموده است.

### 1-3- افتخارات

آثار مرادی کرمانی تاکنون جوایز متعددی از مراکز فرهنگی داخلی منجمله، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (کتاب سال)، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (جشنواره‌های کتاب کودکان و نوجوانان، شورای کودکان؛ ستاد بزرگداشت مقام معلم و ... دریافت نموده است. همچنین آثار ترجمه شده وی جوایزی را از مؤسسات فرهنگی و هنری خارج از کشور به دست آورده است از جمله:

دفتر بین المللی کتاب برای نسل جوان (IBBY)، هیات داوران جایزه جهانی هانس کریستین اندرسن (1992- برلین - به عنوان نویسنده برگزیده)، مؤسسه‌ی C.P.N.B. کشور هلند، مؤسسه‌ی جوانان آلمان، وزارت فرهنگ و هنر اتریش، هیات داوران جایزه کبرای آبی کشور سوئیس، هیات داوران جایزه‌ی خوسه مارتی، کشور کاستاریکا، کتابخانه‌های بین المللی مونیخ (آلمان) و سوئد و یونیسف (صندوق کودکان سازمان ملل متحد)، نامزد جایزه‌ی آلمان (سوئد) آسترید لیندگرن.

او در بعضی از مؤسسات فرهنگی نیز عضویت دارد از جمله:

عضویت در «شورای عالی بنیاد کرمان شناسی» و عضو پیوسته‌ی «فرهنگستان زبان و ادب فارسی» و تدریس در دانشگاه.

او در سال 1384 به عنوان «چهره‌ی ماندگار» در رشته ادبیات کودکان و نوجوانان کشور انتخاب شد.